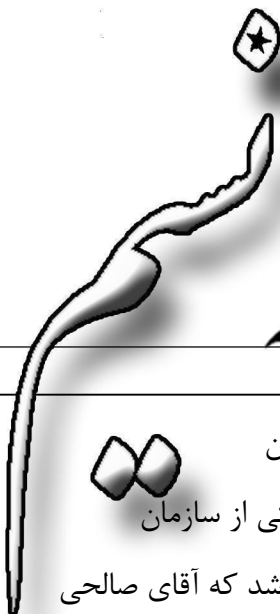




کارگران جهان متحد شوید

شمار ۹۲ ۱۰ یولی ۲۰۰۷ ۱۹ تیر ۱۳۸۶

کاسنامه



اطلاعیه کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری راجع به وضعیت محمود صالحی در زندان



ایران: سرکوب ضد اتحادیه

ای ادامه دارد

<http://www.ituc-csi.org/spip.php?article1283>

بروسل، ۵ جولای ۲۰۰۷: نگرانی راجع به سلامتی آقای محمود صالحی، از رهبران و بنیان گذاران انجمن صنفی کارگران خباز در سقز، که از ۹ آوریل ۲۰۰۷ در زندان میباشد و واز نظر وضعیت سلامتی در معرض خطر مرگ قرار دارد، رو به افزایش است. آقای صالحی تنها کلیه باقیمانده اش سنگ دارد و نیاز به دیالیز دائمی دارند، اما این معالجات در دسترس ایشان در زندان قرار نگرفته اند.

چندین گروه و سازمان در ایران برای آزادی فوری محمود صالحی در حال کمپین میباشدند. کمیته دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه در ایران فراخوان عمل اضطراری برای انتقال سریع محمود صالحی به بیمارستان تخصصی برای معالجه فوری صالحی داده است. طبق اطلاعاتی که بدست ITUC رسیده است

کارگزاران مربوطه در سندج عامدانه از انتقال صالحی به بیمارستان جلوگیری میکنند که بدینوسیله سلامت وی را تا حد خطرناکی تضعیف نمایند.

ITUC در چندین نوبت به رئیس جمهوری ایران نامه نوشته و قویا حملات مقامات ایران به اتحادیه های مستقل کارگری در ایران را محکوم نموده است، و نگرانی خود را راجع به عواقب خطرناک عدم ارایه معالجات پزشکی مناسب برای آقای صالحی، تا زمانی که در زندان

میباشند، به وی یادآور شده است. ITUC هیچ واکنشی از مقامات ایران دریافت نکرده است. اکنون از تمامی اتحادیه های مرتبط و وابسته با اصرار میخواهیم که این درخواست ما از مقامات حکومت ایران را مورد حمایت قرار داده که اطمینان حاصل شود آقای صالحی برپایه موازین بشردوستانه آزاد شده و فوراً مداوا گردند.

گای رایدر، دبیرکل ITUC، اعلام کرده است که "در معرض خطر مرگ قرار دادن شخصی که تنها بخاطر دستیابی به ابتداییترین حق ایجاد اتحادیه کارگری و توسعه فعالیتهای برحق اتحادیه ای در زندان است، بخصوص وقتیکه از اقدامات قضایی خلاف قاعده و نقض حقوق قضایی که منجر به زندانی شدن صالحی شد مطلعیم، بسیار هولناک است.

ITUC همچنین نگرانیهای خود را در نامه ای که امروز به سازمان جهانی کار ارسال کرد اعلام نموده است. " این کاملاً

روشن است که این

اقدامات بنماینده از سازمان

امنیت ایران میباشد که آقای صالحی

را وادار نمایند از فعالیتهای کارگری خویش دست بردارند. ITUC در نامه اش درخواست نموده است که این مسئله به اطلاع کمیته آزادی تشکل برسد.

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

اطلاعیه

کمیته دفاع از محمود صالحی

همانطور که اطلاع دارید، دستگیر شدگان اول ماه مه ۱۳۸۶ سندج در تاریخ ۱۹ تیرماه تنها بخاطر تلاش برای برگزاری اول ماه مه روز جهانی کارگر دادگاهی می شوند.

ما ضمن محکوم کردن به دادگاه کشاندن این فعالین کارگری از همه دلسوزانی که امر خود را پشتیبانی و کمک به تقویت جنبش کارگری قرار داده اند می خواهیم که برای تامین هزینه وکلای این دوستان که توسط کمیته دفاع از محمود صالحی تقبل شده است ما را یاری رسانند. کمیته دفاع از محمود صالحی

۱۲ تیرماه ۱۳۸۶ ۳ ژوئیه ۲۰۰۷

دوستان و علاقه مندانی که خواهان ارسال کمک مالی هستند می توانند با شماره تلفن های زیر تماس بگیرند.

ایران ۰۰۹۸۹۱۸۸۷۲۹۲۰۳

انگلستان ۰۰۴۴۷۸۵۱۲۸۷۵۸۲

هشدار در خصوص وضعیت نامناسب جسمی "محمود صالحی" در زندان سنندج

کمیته دفاع از "محمود صالحی" رهبر سرشناس جنبش کارگری ایران، با صدور اطلاعیه ای نسبت به وضعیت نامناسب جسمی وی هشدار داده است.

در اطلاعیه مذکور آمده است: محمود صالحی که هم اکنون دوره ۱ ساله محکومیت خود را در زندان سنندج می گذراند از نارسایی شدید کلیه رنج می برد، اما علیرغم هشدار پزشکان درباره ضرورت معالجه فوری و انتقال وی به بیمارستان تخصصی، مسئولان دادستانی سنندج از انتقال او به بیمارستان خودداری می کنند.

در ادامه این اطلاعیه آمده است: ما از مسئولان می خواهیم محمود صالحی را هر چه زودتر به بیمارستان منتقل کنند، همچنین از تمامی نهادها و افراد انسان دوست می خواهیم تا در این مورد ساکت ننشینند تا فردا در پیشگاه مردم و وجدان انسانی خود شرمند نباشند.

در پایان این اطلاعیه از سازمان پزشکان بدون مرز و نهادهای مدافع حقوق بشر خواسته شده است تا اقدامات ضروری را برای نجات جان محمود صالحی انجام دهند.

نامه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی-تی-یو-سی ITUC) به دبیر کل سازمان بین المللی کار

شاران بورو - صدر

گای رایدر - دبیر کل

آقای خوان سومایا

مدیر کل سازمان بین المللی کار (ILO)

خیابان موریون، شماره ۴- ۱۱۲۱ ژنو،

سوئیس

۴ ژوئی ۲۰۰۷ HTU/ MT

آزادی تشکل: جمهوری اسلامی

ایران (پرونده شماره ۲۳۲۳، کمیته آزادی تشکل)

آقای سومایای عزیز

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری به دنبال نامه مورخ ۴ دسامبر

۲۰۰۶ خود مایل است اطلاعات دیگری

به شکایت خود از دولت جمهوری

اسلامی ایران (پرونده شماره ۲۳۲۳،

کمیته آزادی تشکل) بیافزاید.

اعمال خلاف قانون در محاکمه

دادگاه تجدید نظر و زندانی کردن

مجدد محمود صالحی

پس از اعلام حکم دادگاه در نوامبر

۲۰۰۶، وکیل مدافع محمود صالحی

تقاضای تجدید نظر کرد و آخرین

محاکمه او در ۱۱ مارس ۲۰۰۷ در روند

قضائی ای صورت گرفت که ناقض معیار

های ابتدائی محاکمه ای عادلانه بود:

آنان در دادگاه تجدید نظریه وسیله

همان کسی محاکمه شدند که در زمان

دستگیری نخستین شان در ماه مه سال

۲۰۰۴ دادستان بود و حکم دادگاه

دومشان در نوامبر ۲۰۰۶ را تأیید کرده

بود.

محمود صالحی، جلال حسینی و

محسن حکیمی همراه با وکیل مدافع

خود آقای محمد شریف، مطابق احضاریه

دادگاه، ساعت ۹ صبح روز ۱۱ مارس

۲۰۰۷ در دادگاه تجدید نظر استان

کردستان حضور یافتند. پس از مدتی

تأخیر به آقای شریف گفته شد که آقای

محمد مستوفی، رئیس دادگاه بخش ۷،

در مرخصی است. آقای شریف طبق

مقررات به منشی دادگاه حضور خود و

موکلانش را اطلاع داد و گفت [به دلیل

عدم حضور رئیس دادگاه] قصد دارند

دادگاه را ترک کنند. اما منشی دادگاه از

آنان خواست صبر کنند تا او به رئیس

دادگاه اطلاع دهد. پس از یک ساعت به

آنان گفته شد که استماع [سخنان وکیل

و متهمان] صورت خواهد گرفت و

استماع در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه با

ریاست قاضی صادقی انجام شد.

در زمان نخستین محاکمه هفت نفر در

سقز در ماه مه ۲۰۰۴، آقای صادقی

دادستان شهر سقز بود و از این رو حکم

دستگیری ۷ فعال اتحادیه ای (صالحی،

حسینی، حکیمی، برهان دیوارگر، محمد

ادیب پور، هادی تنومند و اسماعیل

خودکام) را در ماه مارس (مه-مترجم)

۲۰۰۴ او امضا کرده بود. در محاکمه دوم

که در ماه اکتبر ۲۰۰۶ در دادگاه انقلاب

سقز برگزار شد، قاضی صادقی رئیس

دادگستری سقز بود. قاضی ای که

صالحی و همکاران او را در آن دادرسی

محاکمه کرد دادپاری به نام آقای شایق

بود و حکم دادگاه تنها پس از تأیید آقای

صادقی رسمیت پیدا می کرد. بنا بر این،

صالحی، حسینی و حکیمی در دادگاه

تجدید نظر به وسیله همان کسی

محاکمه شدند که دستور باز داشت

نخستین آنان را داده و حکم دادگاه

دومشان را در نوامبر ۲۰۰۶ تأیید کرده بود.

روز ۱۱ مارس هیچ حکم رسمی ای صادر نشد و نتیجه دادرسی به محاکمه شوندگان و وکیل مدافع آنها اعلام نگردید.

در ۹ آوریل ۲۰۰۷، حدود ساعت ۱ بعد از ظهر، یک مأمور امنیتی سقز به دفتر همبستگی اتحادیه کارگران خباز (تعاونی) نزد صالحی رفت. آن مأمور از صالحی خواست در دفتر دادستان حضور یابد تا در باره موضوعات مربوط به برگزاری مراسم اول ماه مه (۲۰۰۷) با فرماندار و دادستان شهر سقز بحثی صورت گیرد. به محض ورود صالحی به دفتر رئیس دادگاه به او اطلاع داده شد که دادگاه تجدید نظر کردستان در مورد پرونده او به نتیجه نهائی رسیده و او را به یک سال زندان [قطعاً] و سه سال زندان تعلیقی محکوم کرده است. صالحی در جا باز داشت شد و مانع این شدند که از حق خود برای اطلاع دادن به وکیل و بستگانش استفاده کند.

از این رو صالحی به این حکم اعتراض و از امضای آن امتناع کرد. پس از هشدار همکاران و بستگان صالحی به مقامات مبنی بر اینکه به شهروندان سقز فراهوان اعتراض داده خواهد شد به صالحی اجازه دادند با خانواده اش تماس تلفنی بگیرد. از این طریق بود که بستگانش فهمیدند که او قرار است به سنندج مرکز استان کردستان (که ۱۴۰ کیلو متر از سقز فاصله دارد) انتقال یابد. صالحی اکنون در زندان مرکزی شهر سنندج به سر می برد.

حمله به تجمع کارگران در حمایت از صالحی

در ۱۶ آوریل ۲۰۰۷، نیروهای امنیتی تجمع ده ها تن از کارگران و فعالان کارگری را - اکثراً کارگران خباز شهر سقز - که در مقابل محل کار آقای صالحی (تعاونی مصرف کارگران سقز) برای حمایت از آزادی او گرد آمده بودند با خشونت پراکنده کردند. نیروهای امنیتی یونیفورم پوش و لباس شخصی ها با چماق و اسپری گاز به کارگران حمله کردند؛ چندین کارگر زخمی شدند. جلال حسینی و محمد عبدیور به دفتر دادستان احضار گردیدند تا از شرکت شان در این گردهمایی جلوگیری شود. عبدی پور که در نوامبر ۲۰۰۶ از همه اتهامات تبرئه شده بود تا پایان این گردهمایی در دفتر دادستان در حال بازداشت بود و به جلال حسینی که در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۶ به دو سال زندان تعلیقی محکوم شده بود هشدار داده شد که به علت محکومیتش تحت هیچ شرایطی نمی تواند در گردهمایی شرکت کند. گزارش داده شده که سامرند صالحی پسر ۱۷ ساله محمود صالحی در این گردهمایی دستگیر شد. نیروهای امنیتی دفترهای تعاونی مصرف کارگران را بستند.

شرایط زندان صالحی

در ۱۸ آوریل ۲۰۰۷ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) در اعتراض به بازداشت های متعدد فعالان اتحادیه ای و نگرانی از اینکه آقای صالحی به خاطر زندانی بودن از مراقبت های لازم پزشکی که به

علت بیماری کلیوی بدان نیاز دارد محروم خواهد بود نامه ای به رئیس جمهور ایران نوشت. هیچ پاسخی از جانب مقامات ایرانی به آی تی یو سی داده نشد. در این حال خانواده صالحی، وکیل مدافع او و پشتیبانانش در تلاش بودند آزادی موقتی برای صالحی به دست آورند تا او بتواند بیرون از زندان از کمک های پزشکی برخوردار شود. دفتر دادستانی سقز با مرخصی موقت او در ۲۲ ماه مه ۲۰۰۷ موافقت کرد اما رئیس زندان سنندج و دفتر دادستانی سنندج این موافقت را رد کردند و تصمیم در این باره را به شورای زندان واگذار نمودند - این بدان معنی بود که دست کم تا یک ماه دیگر تصمیمی گرفته نخواهد شد. در ۲۸ ماه مه ۲۰۰۷ صالحی به همسرش خانم نجیبه صالح زاده اطلاع داد که وضعیت سلامت او رو به وخامت است و خطر مرگ را در پی دارد (درد فوق العاده شدید کلیوی و افت فشار خون) و خواهان پاسخی فوری برای حل مشکل سلامت خود شد.

در ۳۱ ماه مه ۲۰۰۷ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) در نامه ای به مدیر کل سازمان بین المللی کار (ILO) از او خواست در این زمینه دخالت کند. مدیر عامل معیارها و اصول و حقوق بنیادی در بخش کار فوراً دخالت کرد و شخصا با هیأت نمایندگی دولت ایران در کنفرانس بین المللی کار وارد تماس شد و از آنان دعوت کرد همه اقدامات ممکن را برای تضمین آزادی صالحی به عمل آورند.

در ۵ ژوئن ۲۰۰۷ خانم نجیبه صالح زاده به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های

کارگری (آی تی یو سی) نامه ای نوشت که حاوی جزئیات بیشتری در باره وضعیت آقای صالحی در زندان بود. در حالی که وضع سلامت صالحی پیوسته بدتر می شد تلاش های خانواده او برای انتقالش به بیمارستان به منظور مداوای او توسط پزشک متخصص بیماری های کلیوی با تعویق و امتناع مقامات روبرو می شد و چندین مقام که از آنان درخواست شده بود صالحی را به زندان سقر منتقل کنند گفتند اختیار چنین کاری ندارند. از نظر پزشک آقای صالحی (در نامه ای که در تاریخ ۳۱ ماه مه ۲۰۰۷ با دست به مقامات زندان داده شده) آقای صالحی را نمی توان در زندان معالجه کرد. حتی پزشک زندان به صالحی اطلاع داد که هیچ کاری در مورد او نمی توان کرد مگر اینکه او به پزشک متخصص دسترسی داشته باشد.

در ۱۷ ژوئن آقای صالحی تحت مراقبت شدید نیروهای امنیتی به بیمارستان توحید سندانج انتقال یافت و پس از معاینه پزشکی به زندان باز گردانده شد. طبق اطلاعات کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) هنوز از به رغم وضع وخیم سلامت از کمک های پزشکی شایسته برخوردار نیست: آقای صالحی دچار مشکلات قلبی و روده ای شده و قادر به ایستادن بر پاهای خود نیست.

در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۷ آقای محمد شریف (وکیل آقای صالحی) نتوانست با او در زندان ملاقات کند - مقامات به او اجازه ملاقات ندادند. به آقای شریف اطلاع داده شد از آنجا که حکم پرونده صالحی حکم نهائی است وکیل دیگر هیچ حق دخالتی

در طول دوره حبس ندارد. اعضای خانواده صالحی نیز حق ملاقات با او را ندارند و تنها می توانند با او تماس تلفنی داشته باشند.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) عمیقاً نگران این است که ممانعت از کمک های پزشکی شایسته به آقای محمود صالحی تلاشی از جانب سرویس های اطلاعاتی ایران برای اعمال فشار بر او به منظور توقف فعالیت های اتحادیه ای او است و نیز به خاطر اینکه جان او در خطر است. بنا بر این کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) از شما تقاضا دارد این نامه را به عنوان اطلاعات تکمیلی شکایت آی تی یو سی [از دولت جمهوری اسلامی ایران] به کمیته آزادی تشکل منتقل نمائید. ارادتمند، دبیر کل

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

info@workers-iran.org or
alliance@workers-iran.org

www.workers-iran.org

<http://www.etehadbinalmelal.com/INDEXI.htm>

نامه اعتراضی

آندرش نیلسون ، لیدر اتحادیه

سراسری کارگران سوئد- گوتنبرگ

به : سفارت جمهوری اسلامی ایران

سوئد - ۲۸ یونی ۲۰۰۷

من از طرف اتحادیه سراسری کارگران

سوئد- گوتنبرگ (: LO

Göteborg) که ۱۹ اتحادیه منطقه

ای در آن عضویت دارند یعنی ۱۰۰۰ / ۱۰۰ کارگر عضو آن هستند ، شدیداً به دستگیری محمود صالحی ، پریزدنت اتحادیه کارگران خباز و یکی از فراخوان دهندگان " کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری " در روز ۹ آوریل ۲۰۰۷ ، که به جرم برگزاری جشن اول ماه مه در زندان است، اعتراض دارم .

اتحادیه بین المللی ICTU که LO از اعضای آن است ، پیش از این، روز ۱۸ آوریل ، شکایتی همراه با اسناد نقض حقوق کارگری بابت دستگیری آقای صالحی به سازمان جهانی کار ILO ارائه کرده بود.

آقای صالحی از سالهای دهه ۱۹۸۰ تاکنون ۵ سال زندان بوده و به خاطر فعالیت های اتحادیه ای خود در سالهای ۱۹۸۶ ، ۱۹۹۵ ، ۱۹۹۹ ، ۲۰۰۰ ، ۲۰۰۱ دستگیر شده است .

در ماه مه سال ۲۰۰۴ صالحی به همراه ۶ نفر دیگر دستگیر و متهم شدند، درگیر فعالیت های اتحادیه ای از جمله سازماندهی اول ماه مه بودند. دستگیری ها دو روز پس از ملاقات تعدادی از این جمع با نماینده گان اتحادیه ICFT که اکنون بخشی از ICTU است، صورت گرفت .

در سال ۲۰۰۵ صالحی مجدداً به ۵ سال زندان و سه سال تبعید محکوم گردید. اما او و دیگران درخواست تجدید نظر کردند و موفق شدند . اما در سال ۲۰۰۶ دادگاه انقلاب احکام جدیدی علیه او و دیگران صادر کرد و درخواست مجدد صالحی و همکارانش در ماه مارس امسال با تغییر قاضی در آخرین لحظات به نوعی کمدی

تبدیل شد. حکم رسمی صادر نشد و در نهایت صالحی ۹ آوریل دستگیر شد. ما مطلع شدیم که وضع مزاجی آقای صالحی بسیار وخیم است و تداوم زندان جان او را به خطر می اندازد.

ما شدیداً دستگیری آقای صالحی را محکوم می کنیم و آزادی فوری و بی قید و شرط او را می طلبیم .

ما خواهان لغو احکام علیه او برای آزادی هستیم و می خواهیم احکام علیه کلیه فعالان کارگری (سقز) ۷ فعال (سقز) بی قید شرط و برای همیشه لغو گردد. ما از اقدامات فعالین کارگری در شهر گوتنبرگ برای آزادی محمود صالحی پشتیبانی می کنیم .

آندرش نیلسون

باز تکثیر : کمیته اقدام مشترک برای

نجات جان محمود صالحی -

گوتنبرگ (سوئد) ۳۰ یونی ۲۰۰۷

اطلاعیه شماره ۶

گزارش مالی

ایرانیان آزادی طلب مقیم شهر گوتنبرگ ! و حومه

بدینوسیله به اطلاع می رساند: ما جمعی از فعالان اجتماعی و سیاسی در همکاری تنگاتنگ با رادیوهای چندی در شهر گوتنبرگ از جمله : (رادیوهای سپهر - همراه - صبح شنبه با شما - تلاش ، هماوند - مهر و ...) و با همت انجمن های فرهنگی و اجتماعی چندی در این شهر، یاری مالی به کارگران ایران را از نوروژ امسال دنبال می نمود

در این دوره تشکل ما « کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد) با سازماندهی کارزار دفاعی برای نجات جان محمود صالحی فعال جنبش کارگری سند یکای خبازان سقز و سخنگوی « کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری » ، امر جمع آوری کمک مالی به خانواده ایشان و پاسخ عملی به کمپین نجیبه صالح زاده همسر (محمود صالحی) را همچنان دنبال گردید .

در این راه موفق شدیم در راستای راه اندازی اعتصاب غذا در این شهر به مدت سه روز و تجمع اول ماه مه ، مجموع مبالغ جمع آوری شده را به ایران ارسال داریم .

مبلغ ارسالی ۲۲/۰۵۲ کرون معادل ۳/۰۰۰۰۰۰ تومان گردید . این مبلغ به دست مسئولین کمپین مالی در ایران رسید و در سایت این دوستان (کمیته دفاع از محمود صالحی) « محمود صالحی آزاد باید گردد » نیز عیناً انعکاس یافته است .*

این اطلاعیه جهت بازتاب این حرکت و اعلان تشکر و امتنان از همه انسانهای شریف و آزاده ایست که در این اقدام ما را یاری دادند .

باشد که بقیه مبالغ جمع آوری شده که مجدداً با فعالیت دیگر دوستان،

یعنی « کمیته اقدام مشترک برای

نجات جان محمود صالحی -

گوتنبرگ (سوئد)، (منتخبین نشست

۱۴ یونی) « در دوره اخیر فراهم آمده، شمارش شده و به ایران ارسال و مجدداً گزارش گردد.

با تشکر و سپاس فراوان

مسئولین منتخب نشست چهارم

امیر جواهری - فرخ قهرمانی - محسن
بختیاری ۳۰ یونی ۲۰۰۷

اطلاعیه شماره ۷

۱۸ تیر ۷۸ ، روز ایستادگی و مقاومت

دانش جویان در برابر کلیت نظام

جمهوری اسلامی ایران را پاس داریم!

هشت سال پیش در چنین روزی دانشجویان در جدالی نابرابر به صف آرایی در برابر سران رژیم بر آمدند. مبارزه آنروز دانش جویان در کوی دانش گاه تهران، دیگر بار جدال تاریخی ۱۶ آذر ۳۲ را در برابر نظام پیشین با خود تداعی می نمود، سرآغازی برای نطفه بستن جریان پر تحرک دانشجویی در دوره جدید گردید . ما امسال در شرایطی به استقبال هیجده تیر می رویم که فریاد و خشم، نفرت و اعتراض مردم از هر سو به گوش می رسد . فریاد زندانیان سیاسی و خانواده های آنان ، معلمان و اعتراضات آنان ،

پرستاران و زنان مبارز و برابری طلب ، اعتراضات وسیع و گسترده کارگران و زحمتکشان و دستگیری و احکام زندان برای فعالین آنان از جمله محمود صالحی چهره سرشناس سندیکای خبازان سقز و فعال جنبش کارگری که همچنان در زندان رژیم سرمایه داری ایران در شهر سنندج بسر می برد و دانشجویان فعال و جسور نیز که با وضعیت بغایت دشوار و اسفباری به زندگی ادامه می دهند..

مردم در سراسر کشور از سیاستهای اقتصادی حکومت که اینک در طرح سهمیه بندی بنزین فشرده شده،

خشمگین بوده و به خیابان ها ریخته اند. از تورم و گرانی کمرشکن به تنگ آمده اند. از سرکوب بی وقفه رژیم و دخالت حکومتیان در تمامی عرصه های زندگی خویش ، بشدت عاصی شده اند .

پس بجا خواهد بود که سالگرد ۱۸ تیر امسال فرصتی باشد برای طرح فراگیر ترین شعارها و خواسته های مردم ایران . ما ضمن پشتیبانی از تحرکات اجتماعی فعالان سیاسی در ۱۸ تیر امسال در شهر مان گوتنبرگ (سوئد) که مبارزه دانشجویان را با مبارزه سایر جنبش های اجتماعی مردم ایران گره زنده اند، فریاد بر میآوریم که ما : آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی و محمود صالحی فعال کارگری را خواستار می باشیم .

ما به نوبه خویش به اخراج دانشجویان مبارز سوسیالیست و دانشگاهیان ترقیخواه و دگراندیش اعتراض خواهیم کرد .

رفع توقیف از نشریات مستقل دانشجویی و آزادی انتشار افکار و عقاید را تبلیغ می نمایم .

بر همبستگی جنبش دانشجویی با جنبش های اجتماعی نظیر: کارگران - زنان و جنبش توده های تهیدست و همه کسانی که از ستم های طبقاتی ، جنسیتی ، ملی رنج می برند، پای فشرده و تحکیم مبارزه طبقاتی و ضد سرمایه داری در ایران را در دستور کار خود داریم. تاکید خواهیم کرد. و یک صدا خواهیم گفت: نه به جمهوری اسلامی ، نه به امپریالیسم و سرمایه جهانی ، نه به جنگ ، نه به تحریم شورای امنیت ، زنده باد آزادی و برابری .

امیر جواهری - فرخ قهرمانی - محسن بختیاری

منتخبین نشست چهارم فعالین : کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد)
۵ یولی ۲۰۰۷

آخرین خبر از کارخانه نیشکر هفت تپه خوزستان

متن خبر زیر از علی کریمی، خبرنگار خوزستان عینا به کانون ما در فرانکفورت ارسال شده است :

طبق اظهارات اخیر مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ۴۰۰۰ نفر از ۶۰۰۰ پرسنل کارخانه در خطر اخراج شدن قرار دارند. پرسنل کارخانه حقوق معوقه فروردین ماه را دریافت و در انتظار دریافت آن برای ماههای اردیبهشت و خرداد هستند. مدیرعامل شرکت ضمن دادن وعده به پرداخت معوقه ها اعلام کرد که سطح کشت نیشکر از ۱۲ هزار هکتار به ۶ هزار هکتار تنزل خواهد کرد و کارخانه فقط به ۲۰۰۰ پرسنل نیاز دارد. وی دلیل کاهش پرسنل آن را صرف نکردن تولید شکر دانست که دولت آن را اخیرا کیلویی ۳۷۰ تومان از کارخانه خریده است در حالی که پیش از این کیلویی ۵۵۰ تومان خریداری میشد. فروش شکر در بازار کیلویی ۷۰۰ تومان است در حالی که نرخ وارداتی آن برای دولت کیلویی ۴۰۰ تومان میباشد. از طرف دیگر با افزایش بی رویه بهره وامهای بانک ملی و تامین اجتماعی که شرکت به آنها مقروض است، این کارخانه را بیش از پیش در معرض ور شکستگی قرار داده است. اشاره به این نکته لازم است که بی کفایتی اکثریت مدیران کارخانه یکی از بزرگترین دلایل این بحران می باشد که نه بر اساس دانش لازم بلکه در رابطه با حفاظت اطلاعات سپاه شهرستان دزفول به پست خود نایل شده اند. حتی همدستی بعضی از

این مدیران با دلالهای خرید شکر که در فرصت کوتاهی ثروت هنگفتی به هم زده اند بر هیچ کس پوشیده نیست. سرنوشت سیاهی در انتظار کارکنان اخراج شونده و خانواده هایشان قرار دارد. مدیریت کارخانه سعی بر این دارد که دولت را از این بحران بیکارسازی معاف کند. همه می دانند که دولت مسئول مستقیم این بحران است و باید پاسخگو باشد. این خواست کارگران و کارمندان شرکت نیشکر هفت تپه می باشد .

کانون همبستگی با کارگران ایران در فرانکفورت

۱ جولای ۲۰۰۷ (۱۰ تیر ماه ۸۶)

نامه سرگشاده

خطاب به: هوگو رافائل چاوز

فریاس، رئیس جمهوری بولیواری ونزوئلا

**آقای چاوز دست احمدی نژاد را
نشارید!**

خطاب به: هوگو رافائل چاوز فریاس، رئیس جمهوری بولیواری ونزوئلا
آقای رئیس جمهور،
شما از ۹ تیر به مدت سه روز برای دیدار و گفت گو با مقامات جمهوری اسلامی به ایران رفتید و یک طرح مشترک پتروشیمی در عسلویه در استان بوشهر به امضا رساندید (ایرانا ۱۱ تیر) و به سران جمهوری اسلامی قول ارسال بنزین برای رفع بحران کنونی دادید (نیویورک تایمز ۱۳ تیر). این ششمین سفر شما به ایران است. در ژوئیه ۲۰۰۶ پنجمین سفر شما و همچنین در نوامبر ۲۰۰۴ هنگام

چهارمین دیدار رسمی شما از ایران، برخی از فعالان جنبش کارگری ایران به شما نامه ای فرستادند و در آن نگرانی های خود را در رابطه ی با سوءاستفاده ی رژیم ایران از نام و محبوبیت شما در میان توده های مردم آمریکای لاتین و فعالین مترقی و ضد گلوبالیزاسیون در سطح جهان ابراز داشتند. در آن نامه تفاوت های بنیادین بین حکومت بولیواری با رژیم ایران ذکر شد. اما شما ظاهراً توجه ای به ندای کارگران و مردم تحت ستم ایران نکردید و بار دیگر سران این رژیم ضد مردمی را ملاقات کرده و آنها را به آغوش کشیدید و قراردادهای نوین امضا کردید. شما با این سفر نشان دادید که در اتخاذ سیاست خارجی و ایجاد جبهه ضد امپریالیستی دچار لغزش شده اید.

آقای رئیس جمهور،

شما باید توجه کنید که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ونزوئلا و ایران در دو جهت مخالف هم سیر می کنند. اگر چه هر دو کشور شاهد شکوفائی قابل ملاحظه در درآمد نفت (و گاز) بوده اند، اما، مابین شیوه های استفاده از این درآمد مضاعف؛ تفاوت های فاحشی وجود دارد. در ونزوئلا، شما از این درآمد برای ساختن بیمارستان ها و مدارس و دانشگاه استفاده می شود؛ و در ایران برای پر کردن جیب عده معدودی سرمایه دار.

از یک سو در ونزوئلا، ما شاهد ملی شدن هر چه بیشتر شرکت ها، امکانات رایگان دارو و درمان، آموزش و پرورش، غیره، و سیاست اهدای حقوق و آزادی بیشتر در قانون اساسی، خصوصاً به کارگران و اقشار

فقیر جامعه بوده ایم. برای کارگران این گونه پیشرفت ها به معنای کسب کنترل بیشتر آن ها بر شیوه زندگی و کارشان بوده است. مهم تر از همه، سلب مالکیت از کارخانه ها و تشویق به کنترل و دخالت کارگری، ماهیت جنبش کارگری ونزوئلا را تغییر داده است. جنبش بولیواری و سیاست های حکومت آن تغییرات عظیمی را در تعادل نیروهای طبقاتی ونزوئلا به نفع طبقه ی کارگر انجام داده است.

حکومت ونزوئلا نه تنها کارگران را به ساختن "اتحادیه ی ملی کارگران" به عنوان بدیلی در مقابل "کنفدراسیون کارگری ونزوئلا" تشویق کرده است، بلکه کارگران در اداره و مدیریت کارخانجات و سایر شرکت ها حضور و دخالت داشته اند. تمام جهان می داند که شما لیست اسامی ۱۱۴۹ کارخانه ی تعطیل شده را بیرون داده و به صاحبان آن ها اخطار دادید: «آن ها را تحت کنترل کارگری قرار دهید و یا حکومت از شما سلب مالکیت خواهد کرد!»

اما در ایران، علاوه بر نبود حقوق دموکراتیک اولیه؛ کارگران از داشتن حق تشکیل هرگونه اتحادیه ی کارگری محروم هستند. امروز، کارگران ایران حتی حق داشتن یک کنفدراسیون مانند "کنفدراسیون کارگری ونزوئلا" را ندارند! آن چه آن ها دارند «خانه ی کارگر» و «شورای کار اسلامی» وابسته به دولت است؛ که برای حمله به کارگران شکل گرفته اند.

اما در پیش چنین نبوده است: سرنگونی رژیم شاه، برای کارگران آزادی هایی را دربر داشت که در برخی

موارد حتی شامل کنترل بر تولید و توزیع نیز شد. اما هیئت حاکم اسلامی موفق شد؛ از طریق سرکوب تمام دستاوردهای کارگران را از آنها باز پس گیرد. این رهبرانی که شما در آغوش می کشید، با کشتن هزاران کارگر، جنبش را نابود و چندین دهه به عقب کشاندند. در جامعه ایران، حتی اتحادیه های کارگری زرد طرفدار کارفرما که در دوره شاه قابل تحمل بود، غیرقانونی شده و هم چنان غیرقانونی باقی مانده است! حتی فدراسیون اتحادیه های کارگری ای مانند "کنفدراسیون کارگری ونزوئلا" نیز در ایران غیرقانونی می باشد!

در ایران، میزان بیکاری رسمی (که پایین تر از میزان واقعی است) ۱۰/۸۵ بوده و بیکاری در میان جوانان (بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سال) ۲۲/۳۵ است. حتی وقتی کارگران شاغل هستند، اغلب حقوقشان پرداخت نمی شود- در بسیاری از موارد بیش از یک سال. حتی آن هایی که دستمزد خود را دریافت می کنند با مشقت پرداخت مخارج نیازهای ابتدائی خود در زندگی مواجه هستند، زیرا که دستمزدشان کفاف زندگی عادی را نمی دهد. برای نمونه، اجاره ی آپارتمان دو اتاق خوابه ۴۲۲ دلار در ماه است، در حالی که درآمد یک کارمند عادی ۱۲۰ دلار، درآمد یک معلم ۱۸۰ دلار و حتی درآمد یک پزشک ۶۰۰ دلار در ماه است. جای تعجبی نیست که ۹۰٪ جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کنند.

آقای رئیس جمهور،

دولت سرمایه داری ایران، هیچ اختلاف و تضاد بنیادین با امپریالیست آمریکا ندارد. آنها در حالت جنگ سرد با آمریکا قرار

تجمع کارگران اخراجی کارخانه چرم سازی در مقابل استانداری بوشهر

بیش از ۴۰ کارگر اخراجی کارخانه "چرم سازی" شهرستان دشتستان روز سه شنبه ۱۲ تیرماه در مقابل استانداری بوشهر تجمع کرده و نسبت به اخراج خود از سوی کارفرمایان اعتراض کردند.

کارگران اخراجی کارخانه چرم سازی دشتستان که هرکدام بیش از ۱۵ سال سابقه کار در این واحد را دارند اعلام کردند، کارفرمایان عدم فروش محصولات کارخانه را دلیل اخراج ما اعلام کرده اند، در حالی که این واحد از لحاظ فروش محصولات تولیدی خود با هیچ مشکلی روبرو نیست.

کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی خواستار بازگشت به کار و تامین امنیت شغلی خود شدند.

کارگران شرکت رامشیر پس از سه روز اعتصاب موفق به دریافت دو ماه از دستمزدهای معوقه خود شدند

کارگران شرکت رامشیر در عسلویه که تعداد آنان حدود ۱۲۰۰ نفر است از مورخه ۳/۲۸/۸۶ در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان به مدت ۴ ماه، دست به اعتصاب زدند. عدم توجه کارفرما به خواست کارگران در روز اول اعتصاب باعث شد تا کارگران بدون نومیدي و مصممانه بمدت سه روز به اعتصاب خود ادامه دهند. بدنبال این وضعیت کارفرما ناچار شد طی توافقی با کارگران، دو ماه از دستمزدهای عقب افتاده کارگران را پرداخت نماید و به این ترتیب کارگران به اعتصاب خود پایان داده و بر سر کارهایشان باز گشتند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

جوان آغشته است، نشان می دهد که سیاست بین المللی ضد امپریالیستی شما دچار انحراف اساسی است. شما با نزدیکی با رژیم های ارتجاعی هرگز نخواهید توانست مبارز ضد امپریالیستی را به فرجام برسانید. تنها اتحاد نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان می تواند در مقابل امپریالیزم ایستادگی کند.

با احترام - مازیار رازی - 13 تیر ۱۳۸۶

گاهنامه نسیم در جدال طبقاتی

بین کار و سرمایه که در ونزوئلا

در جریان است، آرزوی پیروزی

برای کارگران و برقراری نظام

سوسیالیستی می نماید

تجمع کارگران شهرداری در مرکز

شهر تبریز

کارگران مناطق ۱، ۳، ۴ و ۷ شهرداری تبریز در روزهای چهارشنبه ۱۳ و پنجشنبه ۱۴ تیرماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در میدان ساعت این شهر دست به تجمع زدند.

روز پنجشنبه و پس از تاکید کارگران بر ادامه اعتراض، ماموران امنیتی و انتظامی رژیم کارگران را به محوطه یکی از نهادهای دولتی در میدان ساعت منتقل کرده و ضمن محاصره آنان از گفتگوی کارگران با مردم جلوگیری کردند. صدها کارگر معترض شهرداری تبریز که برخی از آنان بیش از ۶ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند برادامه تجمعاتشان تا دستیابی به مطالباتشان تاکید کردند.

دارند و با دریافت امتیازات کافی؛ وارد معاملات سیاسی با آمریکا خواهند شد و پشت شما را خالی می کنند. در حقیقت رژیم ایران نقداً به آمریکا در تهاجم و اشغال نظامی افغانستان و عراق - و روی کار آوردن رژیم های دست نشانده ای مانند رژیم «کرزای» و «ملکی» به وسیله ی تبادل تجاری امنیتی و معاملات دیگر- کمک کرده است. این رژیم علیرغم شعارهای "ضد امپریالیستی" اش، به سوی بازسازی پیوندهای سابق خود با ایالات متحده آمریکا پیش می رود.

گزینش احمدی نژاد، نشانگر چرخش نهائی رژیم برای حل اختلافاتش با امپریالیزم، به ویژه امپریالیزم آمریکا است. بر خلاف تمام "دشمنی ها"، و ژست های "ضدامپریالیستی"، رژیم آماده ی حل کلیه ی اختلافات موجود با آمریکا است. دولت ایران می خواهد از ایران، جامعه یی مثل کلمبیا بازسازی کند (در کلمبیا هزاران کارگر اتحادیه ای کشته شده تا شرکت های چند ملیتی بدون هیچ گونه مانعی بتوانند کارگران را استثمار کرده و منابع طبیعی کشور را به یغما برند).

آقای رئیس جمهور،

پیوند نزدیک و مرتب شما به رهبران این رژیم عاقبت باعث این می شود که توده های مردم ایران به درس های بزرگ روند انقلابی در ونزوئلا پشت کنند. جای گرفتن در قلب و ذهن توده های مردم ایران و کشورهای نظیر آن، بهترین راه حل درازمدت برای قطع کردن دست های واشنگتن بر آمریکای لاتین است. نزدیکی شما با دولت سرمایه داری ایران که دستهایش به خون هزارها کارگر و